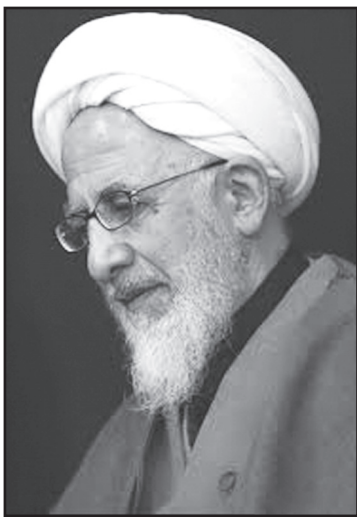




ما یک وظیفه مشترک داریم که همه برای انجام این وظیفه مشترک باید آماده باشیم و آن ادر رابطه با] فرا رسیدن ماه مبارک رمضان است. در این جهت هر کسی به اندازه هاضمه فکری خودش ضیافت الهی را در کم می‌کند. اگر سفرهای پهن شد، مانده و مآذبه‌ای پهن شد و عذّای دعوت شدند، هر کس‌به اندازه هاضمه خود از آن غذا استفاده می‌کند؛ کسی که ظرفیت بیشتری دارد بیشتر مصرف می‌کند، کسی که ظرفیت کمتری دارد کمتر، ماه مبارک رمضان ماه مهمانی خداست. در نوبت‌های قبل شاید به عرَضتان رسیده باشد که هرکسی سالی دارد، سال تحصیلی مشخص است از چه وقت شروع می‌شود و چه وقت ختم می‌شود. کشاورزان هم سالی دارند؛ پاییز [آغاز] سال کشاورزی و کشاورزان است؛ بهار اول فروردین [آغاز] سال طبیعی محسوب می‌شود که آن برای حیات گیاهی اثر دارد. هرکسی سالی دارد؛ آن‌ها که اهل سیر و سلوکنند درصدد تهذیب نفس هستند، آن‌ها هم سالی دارند. سال آن‌ها از ماه مبارک رمضان شروع می‌شود و ماه شعبان تمام می‌شود، این سالکان در ماه شعبان خیلی تلاش و کوشش می‌کنند که تمام آن مشکلاتشان را حل کنند که وقتی وارد ماه مبارک رمضان می‌شوند دیگر مشکل اخلاقی نداشتنه باشند، اگر بزرگانی مثل حافظ و امثال حافظ از ماه شعبان خیلی با جلال و شکوه یاد می‌کنند سرش همین است. او می‌گوید:

ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید
از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد
یعنی ماه شعبان، ماه آخر سال است؛ جایزه‌ها را در آخر سال می‌دهند، کارنامه‌ها را در آخر سال می‌دهند، برنامه‌های سال را در آخر سال ارزیابی می‌کنند. می‌گوید این ماه شعبان را از دست مده، اگر از دست دادی وارد ماه مبارک رمضان شدی در ماه مبارک رمضان، رمضان خبری از جایزه نیست، شب و روز این ماه مبارک باید تلاش و کوشش کنی تا شب عید رمضان که **لیلَةُالجَوازِ** است یا روز عید فطر که **یوم‌الجَوازِ** است، آن وقت نتیجه کار شما را نظیر این امتحانات میان دوره‌ای به شما بدهند.

ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید
از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد
وقتی شب عید رمضان شد آن شب عید فطر **لیلَةُالجَوازِ** است. روز عید فطر **یوم‌الجَوازِ** است. آن وقت می‌گویند:

روز عید است و من امروز در آن تدبیرم
که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم
یک خطبه نورانی از وجود مبارک رسول گرامی به ما رسید، این خطبه هم از نظر محتوا خیلی بلند است، هم از نظر سند؛ سندش بعد از بزرگان رجال می‌رسد به وجود مبارک امام هشتم، از امام هشتم تا پیامبر همه‌شان معصوم‌اند. در آخرین جمعه ماه شعبان وجود مبارک رسول گرامی فرمود:

مردم! ما خدا به طرف شما آمده به استقبال این ماه بروید «قد أَقبلَ إِلَیکم شهر الله». این ماه به نام خداست همان طوری که کعبه به نام خداست و آن

*اساس کار این است که ما (در ماه رمضان) فکث رهن کنیم، به مقام آزادی برسیم، بشویم موحد، اگر موحد شدیم فقط او را می‌پرستیم

سرزمین، سرزمین ضیافت است، این ماه هم ماه خداست؛ این زمان زمان ضیافت است؛ آن زمین، زمین ضیافت است. کسانی که توفیق حج یا عمره را دارند مهمانان خدای سبحان‌اند که در آنجا از حاجیان و معتمران به عنوان ضیوف الرحمان یاد می‌شود. در ماه مبارک رمضان هم که به عنوان شهر ضیافت است، از روزه دارها به عنوان ضیوف الرحمان یاد می‌شود. سنایی می‌گوید: کعبه احتیاجی به پرده‌های ابریشمی ندارد، کعبه را با این پرده‌ها زیور ندهید. کعبه نیازی به ابریشم ندارد، جمال کعبه به چیز دیگر است؛ «بیای بیتی جمال کعبه بس است» کعبه یک پاء دارد که خدای سبحان به ابراهیم و اسماعیل(سلام‌الله علیهما) فرمود: «ان طهراً بیتی» خانه مرا پاک کنید. کعبه نیازی به ابریشم ندارد: «بیای بیتی جمال کعبه بس است» این یک دانه پاء برای ماه مبارک رمضان هم هست که شما می‌گویید: «قد أَقبلَ إِلَیکم شهر الله». این دو، این یک پاء برای انسان هم هست که فرمود: «تَفَخَّخْتُ فِیه مِن رُوحِی». اگر انسان حرمت این اضافه تشریفی را رعایت کند. قدر این پاء را بداند همتای کعبه می‌شود؛ همتای ماه مبارک رمضان آن وقت سنایی می‌گوید:

تو فرشته شوی از چمد کنی از بی آنک
برگ توت است که گشتست به تدبیر اطلس
حالا ما که وارد مهمانی خدای سبحان می‌شویم، چه غذایی به ما عطا می‌کند که ما سیر بشویم؟ مستحضرید که ما هیچ سیر نمی‌شویم؛ یعنی هیچ کسی در جهان سیر نخواهد شد. اگر کسی دنبال مال باشد، هرچه فراهم کرد باز جهنمی در درون اوست؛ هرگز سیر نمی‌شود؛ به هر مقامی برسد سیر نمی‌شود. این حق با اوست برای اینکه انسان، خواهان کمال مطلق است اما آن کمال مطلق در غیر ذات اقدس الهی حاصل نیست. انسان باید به جایی برسد که سیر بشود و آن لقای خداست. آن چون معیوب مطلق است، جمال محض است، کمال محض است، انسان وقتی به لقای او رسید آرام می‌شود. از بهشت به عنوان دارالقرار یاد می‌کنند. ما تا به لقای حق نرسیدیم، در راهیم؛ در مفزیم، نه در مقرّ. وجود مبارک حضرت مطالبی فرمود که به درد اوساط می‌خورد، به درد ضعاف می‌خورد، به درد خواص می‌خورد، به درد اخص می‌خورد، ما را به روزه گرفتن دعوت کرده است، به انفال دعوت کرده است، به خیرات دعوت کرده است. این‌ها حرف‌های متوسط است که حضرت در همین خطبه پایان ماه شعبان بیان کردند. بعد فرمود: بسیاری از شماها بدهکارید. معنای دین این است که اگر کسی حق الله، حق الناس، این‌ها در دَمّه اوست، این بدهکار است. بدهکاری مالی مثل خمس و زکات و این‌ها ساده است و خیلی سهل است اما حضرت فرمود شما بدهکارید. آنجا که فکر بد کردید، آنجا که خیال بد کردید، آنجا که نگاه بد کردید، آنجا که حرف ناصواب گفتید یا شنیدید این

*شب و روز این ماه مبارک باید تلاش و کوشش کنی تا شب عید رمضان که لیلَةُ الجَوازِ است یا روز عید فطر که یوم‌الجَوازِ است، آن وقت نتیجه کار شما را نظیر این امتحانات میان دوره‌ای به شما بدهند

مجاری ادراکی‌تان و تحریکی‌تان بدهکار است؛ یا حقّ‌الله دارید یا حقّ الناس یا هر دو. هر بدهکاری باید وثیقه بسپارد، گرو بسپارد؛ این هم دو مطلب. ما که بدهکاریم، به خدا بدهکاریم، به دین بدهکاریم، چه چیزی گرو بدهیم که از ما بپذیرند؟ در مسائل مردمی اگر کسی به دیگری بدهکار بود خانه‌اش را، فرشش را، زمینش را گرو می‌سپارد؛ اما اگر کسی

آسیب‌های منبر و عظ دینی

روضة خوانی پربرداز و با استقبال وسیع مردم و انبوه متراکم جمعیت روبرو شود؟! هرگز در صدد تقیصص مجالس عزاداری و نوحه خوانی نیستم، بلکه سخن در این است که آیا در جامعه ما به هر چیزی به مقدار ارزش و اهمیت که دارد پاره داده می‌شود.

یکی از عوامل مهم وضعیت کنونی عدم حضور وسیع و برنامه‌ریزی شده عالمان و اندیشمندان در مجالس مذهبی است. بارها اِیـتـالـه جـواـدی اُمـلی حکیم و مفسر برجسته قرآن در خطبه‌های پیاپیران الهی است و قم هشار دادند که «اگر علما منبر نزنود، فضلا می‌روند. اگر فضلا منبر نزنود طلاب می‌روند. اگر طلاب منبر نزنود، مجلس در اختیار ملداحان و ذاکران قرار می‌گیرد و ایران نیز وضعیتی مشابه با پاکستان پیدا می‌کند».

*متأسفانه امروز در جامعه ما مجالسی پر رونق تر است، که مطالب سطحی قصه و داستان و خواب و خیال در آن مطرح شود و مجالسی که مطالب منطقی و عقلانی و تفسیری و روایی در آن مطرح شود و جنبه سرگرمی نداشته باشد از رونق لازم برخوردار نیست!

رواج منبرهایی که داستان سربازی و سرگرمی و خواب و خیال در آنها جایگزین «معارف قرآنی و حدیثی» شده خطری است که جامعه ما را تهدید می‌کند. دین اسلام با آن همه معارف ناب و گفتار پشویان معصوم خود برای تأثیرگذاری آیا نیازی به دست به دامن قصه‌سرایی خواب و خیال و حتی موهومات و خرافات شدن دارد! روزی برخی از یاران حضرت صادق(ع) از ایشان در باره باور برخی از مسلمانان نسبت به اذان پرسیدند که ایشان معتقدند ابی نبی کعب انصاری فقرات اذان را خواب دیده و نقل کرده است. حضرت فرمود: «کنبـهـوا والله، انّ دین‌الله تبارک و تعالی اعزّ مِن ان یری فی‌النوم»، به خدا سوگند دروغ می‌گویند دین خدای تبارک و تعالی عزیزتر و گرامی‌تر از آن است که در خواب دیده شود و با خواب ثابت گردد. سپس به بیان چگونگی نزول دین خدا و احکام آن پرداختند و اینکه چگونه جبرئیل امین جملات اذان را به رسول خدا(ص) آموخت. علامه مجلسی در شرح این روایت جالب با صراحت می‌گوید: «در این که شریعت اذان به وسیله وحی اثبات شده نه خواب بین علما اتفاق نظر وجود

در استقبال از مهمانی خدا

به خدا بدهکار بود چه چیزی را باید گرو بدهد؟ خدا مال و متال که گرو نمی‌پذیرد، خود انسان را گرو می‌گیرد. وقتی خود انسان گرو گرفته شد انسان می‌شود در رهن؛ رهن یعنی گرو. این دو بخش از قرآن کریم که گاهی (رهینة) گاهی(رهین) دارد، ناظر به همین است: «کل امرئ بما کسب رهنه» (یک) «کل نفس بما کسبت رهینة» (این دو) این «رهین»، فعیل به معنی مفعول است، یعنی هر انسان گنهکاری مرهون است. آن کالای رهنی را آن عین را می‌گویند عین مرهونه؛ وقتی انسان مرهون شد در گرو شد، دیگر آزاد نیست. اینکه می‌بینید بعضی‌ها می‌گویند من هرچه می‌خواهم زبانم را کنترل کنم نمی‌توانم، یا چشمم را کنترل کنم نامحرم را نبینم نمی‌توانم، یا نمی‌توانم حرف‌هایم را کنترل کنم. این پیچراه راست می‌گوید چون در گرو است، این معتاد بیش از دیگران کارتن خواب را، فلاکت و بدبختی

*بیاید در ماه مبارک رمضان خودتان را آزاد کنید، آن وقت یک انسان آزاد در کمال آسودگی از نامحرم می‌گذرد، از زیرمیزی و رومیزی می‌گذرد، نه بیراهه می‌رود، نه راه کسی را می‌بندد

را می‌بیند. شما می‌خواهید با نصیحت، یک معتاد را هدایت کنید؟ اینکه بیش از شما آشناست و دارد می‌بیند، این در بند است. اندیشه‌اش آزاد است، ولی انگیزه‌اش در رهن است، در بند است. آن کار اساسی را این بخش‌های اراده و نیت و تصمیم و قصد و اخلاص انجام می‌دهند. بخش وسیع حیات ما به انگیزه وابسته است. عزم یعنی عزم، جزم یعنی جزم، آنچه از حوزه و دانشگاه برمی‌آید تدریس جزم است، تصوّر است، تصدیق است، موضوع است، محمول است، مسئله است. میادی است، یعنی علم؛ این بخش ضعیفی از زندگی را تأمین می‌کند، بخش اساسی آن به عهده اراده است، اراده و اخلاص و نیت این اگر به بند کشیده شد انسان در گرو است. مرحوم صدوق(رض) این بابویه در کتاب قییم توحید نقل می‌کند که کسی از وجود مبارک امیر مومنان (س) سؤال کرد من هرچه می‌خواهم نماز شب بخوانم نمی‌توانم، فرمود: تو در بندی «قیّدک ذنوبک». گناه تو را به بند کشیده، لذا نمی‌توانی [برای نماز شب] برخیزی. این بیان نورانی حضرت این است که مردم! «انّ انفسکم مرهونة بأعمالکم ففکوها باستغفارکم» مردم! شما در بندید، بدهکارید، شما را به گـرو گرفتند، بیاید ماه مبارک رمضان

حضرت آیت‌الله جوادى آملی

خودتان را آزاد کنید، آن وقت یک انسان آزاد در کمال آسودگی از نامحرم می‌گذرد، از زیرمیزی و رومیزی می‌گذرد، نه بیراهه می‌رود، نه راه کسی را می‌بندد. نه دروغ می‌گوید، نه خلاف می‌گوید، هیچ جا آبروی نظام اسلامی و خون‌های پاک شهدا را نمی‌ریزد، فرمود بیایید خودتان را آزاد کنید، شما بپنید مشکلات این مملکت الان چیست؟ در بند بودن ماست؟ فرمود بیایید خودتان را آزاد کنید، شما که می‌دانید رشوه حرام است، می‌دانید اختلاس حرام است؛ اینها را که می‌دانید، می‌دانید پایشان چنم است؛ می‌دانید اربوریزی دارد، خب بیایید خودتان را آزاد کنید. تا انسان آزاد نشد، همین است بالاخره دست و پا می‌زند کسی که در بند است فرمود: بیاید فک رهن کنید، بیایید خودتان را آزاد کنید، آن گاه همین مکتب است که می‌گوید:

غلام همتت رنگ که زیر چرخ کبود
ز هر چه رنگت تعلق پذیرد آزاد است
این برای خواص «ز هر چه رنگ تعین پذیرد». این برای اخص «ز هرچه رنگ تعین پذیرد آزاد است». آن وقت انسان می‌شود آزاد. اگر این راه برای ما در ماه مبارک رمضان باز است آن وقت چرا خودمان را ارزان بفروشیم.

بارها به عرض دوستان رسید این حرف، زیر این آسمان فقط برای انبیاست. شما ببینید در غیر سخنان انبیا احدی آمده این حرف را زده؟ آن حرفی که انبیا آوردند این است مرگ پدیدای است که بالاخره انسان با آن درگیر است، هیچ کسی نمی‌تواند بگوید مرگی در کار نیست اما همه حرف‌ها این است که ما در مصاف با مرگ که دست به گریبان می‌شویم، ما مرگ را می‌میرانیم یا او ما را می‌میراند. به استثنای اوحدی از اهل نظر خیال می‌کنند انسان می‌میرد. اما حرفی که انبیا آوردند این است که انسان مرگ را می‌میراند. ماییم که بر او پیروز می‌شویم، او را چماله و مجاله می‌کنیم و دور می‌اندازیم و برای اید زنده‌ایم. تعبیر قرآن کریم این نیست «کل نفس یدنوقها الموت» هر کسی را مرگ می‌چشد؛ تعبیر قرآن این است: «کل نفس ذائقة الموت». هرکسی مرگ را می‌چشد، خوب روشن است که هر ذائقی منوق را هضم می‌کند، شما یک لیوان آب یا شربت نوشیدید، شما او را هضم می‌کنید، نه او شما را. اگر ما آن قدر قدرتمندیم که مرگ را می‌میرانیم و ابدی می‌شویم و مرغ باغ ملکوتیم، اگر ما این هستیم چرا قدر خود را ندانیم؟ اگر ما ابدی هستیم، برای اید چه ذخیره‌ای فراهم کردیم؟ ماه مبارک رمضان ماه این حرف هاست؛ اساس کار این است که ما فک رهن کنیم، به مقام آزادی برسیم، بشویم موحد، اگر موحد شدیم فقط او را می‌پرستیم. هرکسی به اندازه خود باید بکوشد که – ان‌شالله – از حریت و آزادی که از بهترین نعمت‌های الهی است منتعم شود!

جمهوری اسلامی

سخنی با مبلغان دینی

در ایام نورانی ماه مبارک رمضان – که بهار قرآن و فصل بندگی خالصانه است – منبرهای مساجد، حسینیه‌ها و محافل دینی، همچون ستارگانی در شب‌های تار جامعه می‌درخشند. اما در شرایط حساس و پرچالش کنونی کشور، که سایه تهدیدهای جنگی بر آن سنگینی می‌کند و اعتراضات خیابانی، زخم‌های اجتماعی را عمیق‌تر می‌سازد، مسئولیت مبلغان به عنوان نگهبانان وحدت امت اسلامی، سنگین‌تر از همیشه است. سخن مبلغان نه تنها دل‌های روزه‌داران را صفا می‌بخشد، بلکه می‌تواند به عنوان پلی برای عبور از بحران‌ها عمل کند. از این رو، یادآوری چند تذکر کلیدی است تا منبر رمضان، بستری برای آرامش، همدلی و تقویت ایمان باشد، نه عامل تشدید اختلافات.

۱. تمرکز بر وحدت و همدلی ملی، کلید عبور از بحران‌ها
روشن است که مایه اصلی منبرهای ماه رمضان دعوت به بندگی خالصانه خدا است اما امروزه در شرایطی که دشمنان خارجی با تهدیدهای جنگی و ناآرامی‌های داخلی، به دنبال تفرقه‌راند، مبلغان باید در همان مسیر بندگی خدا، منبر را به سنگر وحدت تبدیل کنند. به سفارش قرآن مبنی بر «وَأَعِصُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»، عمل نمایند و با منبر خود به انسجام اجتماعی کمک کنند. این آیه، نه تنها دعوت به همبستگی است، بلکه یادآوری نعمت الهی بر امت اسلامی را غلبه بر دشمنی‌های گذشته است. لذا روحانیان محترم و مبلغان دینی از هرگونه سخنی که اختلافات قومی، مذهبی، سیاسی یا اجتماعی را برجسته کند، پرهیز کنند و به جای آن، بر آموزه‌های وحدت بخش، تأکید نمایند. با این شیوه، منبر نه تنها معنوی، بلکه اجتماعی و الیتام‌بخش می‌شود و جامعه را در برابر توطئه‌های تفرقه‌افکن مصون می‌دارد.

۲. دوری از تحریک و حساسیت‌های سیاسی، حفظ قداست رمضان
ماه رمضان، فرصتی الهی برای تزکیه نفس و بازگشت به خداست، نه بستری برای منازعات دنیوی. ورود به بحث‌های سیاسی جنجالی بر منبر، می‌تواند آتش ناآرامی‌های اجتماعی را شعله‌ور سازد و روزه‌داران را از تمرکز بر عبادت بازدارد. این رویکرد، منبر را از سیاست‌زدگی حفظ می‌کند و به عنوان پناهگاهی امن برای روح‌های خسته عمل می‌نماید.

۳. ترویج آرامش و صلح در برابر تهدیدها، توکل و استقامت رضائی
تهدیدهای جنگی و اعتراضات خیابانی، ترس و اضطراب را در جامعه افزایش داده‌اند. مبلغان، به عنوان روانشناسان معنوی، باید منبر را به منبع آرامش تبدیل کنند. براساس وعده قطعی قرآن: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»، ذکر خدا، کلید آرامش است، به ویژه در رمضان که شب‌های قدر، فرصتی برای ذکر خالصانه، برای توبه و تقویت ایمان است. از این رو مناسب است مبلغان محترم بر آیات آرامش بخش و صلح‌طلبانه تأکید کنند و مردم را به توکل بر خداوند و حفظ صلح داخلی دعوت نمایند. از ایجاد جو ترس‌آلود پرهیز نمایند و به جای آن، بر استقامت روزه‌داران در برابر دشمنان و سختی‌ها تمرکز ورزید.

۴. تأکید بر عبادت خالصانه و دوری از افراط، بازگشت به اصل رمضان
رمضان، ماه قرآن و شب‌های قدر است؛ نه عرصه نمایش افراط‌های اجتماعی یا انتقادات تند. افراط در سخنرانی‌های منبر، می‌تواند به جای هدایت، به گمراهی منجر شود. لذا بهتر است سیاست را از عبادت جدا نگه دارند و از افراط در انتقادات اجتماعی دوری جویند و بر اصلاح نفس فردی و جمعی تمرکز نمایند. ان‌شالله این توصیه‌ها، رمضان را به فرصتی برای خودسازی واقعی تبدیل می‌کند و جامعه را از افراط‌ها مصون می‌دارد و مبلغان گرامی، مطمئن باشند با رعایت این تذکرات، نه تنها به حفظ وحدت و امنیت کشور کمک می‌کنند، بلکه در پیشگاه خداوند، ازجمله صالحان خواهند بود.